

گپ

«محمد فیلی» و بازی در فیلمی بین المللی

ضیغمی- «محمد فیلی» از بازی در یک فیلم سینمایی بین المللی خبر داد. این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت و گو با خبرنگار ما درباره فعالیت اخیر خود گفت: در فیلم سینمایی «روز» به کارگردانی مرتضی آتش زم زم بازی کردم. «فیلی» درباره موضوع این فیلم توضیح داد: مسیر فیلم از بنگلادش آغاز می شود و تا اروپا می رود. همه بازیگران فیلم فاجاچی هستند و قصه فیلم درباره یک محموله قاچاق است که از افغانستان راه می افتد و از ایران می گذرد و به ترکیه می رود. پلیس دنبال این محموله را می گیرد اما دستش نمی رسد و محموله در اروپا پخش می شود. وی اضافه کرد: چند سال است داوود میرباقری در تلاش است سریال سلمان فارسی را بسازد. او دو سال است از سراسر ایران تست می گیرد و هم اکنون دستیارانش همچنان مشغول گرفتن تست از بازیگران هستند.

در سال ۱۳۸۸ وقتی مختارنامه به پایان رسید داوود میرباقری به من گفت محمد پیه ۱۰ سال کار را به تنت بمال که می خواهم ۱۰ سال دیگر سلمان را بسازم.



راهنمای اکران

سینما گلشن

زهر مار



| کارگردان | سید جواد رضویان |
|-----------|---|
| بازیگران | سیامک انصاری، شبنم مقدمی، شقایق فراهانی، سیامک صفری، نسیم ادینی، برزو ارجمند، علی استادی، رضا رویگری، حسین محب اهری و سیامک ادیب. |
| خلاصه قصه | رضا گذشته‌ای دارد که او را رها نمی‌کند و همین گذشته برای او دردسر ایجاد می‌کند. |

سخن ستارگان

فتحعلی اویسی

خوشبختانه نقش هایی که تا به حال ایفا کرده ام نزد مردم مورد قبول واقع شده‌اند و همین موضوع وسواس مرا برای انتخاب نقش دو چندان کرده است. می خواهم با اثری به یادماندنی نزد مردم بازگردم زیرا یک کار به یادماندنی بهتر از ۱۰ اثر الکی است. به امید خدا اگر عمری باشد باز هم مهمان خانه های مردم خواهم شد.

کافه سینما

در این شماره، اخبار و نقل قول های مهم سینما و تلویزیون در هفته گذشته را در اختیارتان قرار می دهیم.

«فیلم سینمایی «قصر شیرین» در سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور که از ۴ تا ۱۹ مهر اسال در کشور کانادا برگزار می شود، به نمایش درمی آید.

«تصویربرداری سریال «سرباز» به کارگردانی هادی مقدم‌دوست و به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی همچنان ادامه دارد و به تازگی کلوریا هاردی به جمع بازیگران این سریال اضافه شده است.

«ریدلی اسکات «آخرین دوئل» را برای کارگردانی انتخاب و قراردادی برای ساخت بازی مت دیمن و بن افلک امضا کرد.

یک فنجان چای با «عباس سنجرى» گزارشگر پیش کسوت رادیو

قدر پیش کسوتان رسانه را بدانند

اطلاعات گزارشگر رادیو باید به اندازه اقیانوس باشد

یکی از پیش کسوتان در عرصه گزارشگری در این حرفه فعالیت می کند. او که در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی صدا جایزه رتبه نخست در بخش تولیدات دفاع مقدس را دریافت کرده است می گوید: آن قدر جایزه دریافت کرده‌ام که تعدادش از ذهنم خارج شده است. در این گفت و گو با این پیش کسوت رادیو خاطراتش در جنگ و رادیو را مرور کردیم.

مریم ضیغمی- شنوندگان رادیو با صدای پخته او آشنا هستند و سال هاست که با صدایش خو گرفته‌اند و صدای او را در برنامه‌هایی همچون «راه شب»، «راهی به آبادی»، «صدای راهبران»، «کافه هنر»، «پلاک هشت» و «تا آسمان» در آن سوی امواج رادیویی می‌شنوند. «عباس موسایی سنجرى» را می‌گوییم. او از سال ۱۳۶۱ به عنوان گزارشگر همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و اکنون به عنوان

چطور شد وارد صدا و سیما شدید؟

کار هنری ام را به طور رسمی از سال ۱۳۵۸ با بازیگری تئاتر در فرهنگ سرای نیاوران شروع کردم. هم دوره ای‌های من اکبر عبدی و حمید لولایی بودند. اندک اندک جذب رادیو شدم و ۴، ۳ دهه است که در رادیو به عنوان مجری و گزارشگر پیش کسوت همکاری می‌کنم.

فلاش بکی به گذشته برنیم، زمانی که شما در جبهه‌ها از خطوط دفاع مقدس گزارش تهیه می‌کردید؛ این گزارش‌ها را چگونه می‌گرفتید؟

آن مقطع در رادیو گروه گزارش داشتیم و هر هفته همراه با بچه‌ها ۱۵ روز به جبهه می‌رفتیم. آن موقع رادیو یک شبکه بیشتر نداشت که صدای جمهوری اسلامی ایران نام داشت. من در خطوط مقدم جبهه در کردستان و جزیره مجنون همراه با دیگر بچه‌ها برنامه تهیه می‌کردم. برنامه‌ای به نام «وضعیت قرمز» برای رادیو طراحی کرده بودم که وقتی وضعیت قرمز اعلام می‌شد رادیو قطع می‌شد. در آن مقطع تلگرام و تلفن همراه نبود و از طریق تلفن قورباغه‌ای برای «راه شب» از جبهه گزارش می‌فرستادم و خیلی برایم جذاب بود. آن موقع اگر گزارشی تهیه می‌کردیم مجبور می‌شدیم به اهواز برویم و از خط نودال برگشت گزارش را برای تهران ارسال می‌کردیم یا تپیاکس می‌کردیم که به پخش برسد. یک روز دیدم رزمنده‌ها نشسته‌اند و مشغول نامه نگاری هستند یا می‌خواهند به خانواده‌هایشان تلفن بزنند. جرقه‌ای به ذهنم خورد و رفتم پیش رزمنده‌ها کنار پاترول صدا و سیما، ضبطی را که داشتم روشن کردم و گفتم بیا بید خبر سلامتی خود را به خانواده‌هایتان بدهید و همین برنامه به نام «پیام سلامتی جبهه» شد.

در آن شرایط جنگی، دغدغه‌تان چه بود؟

رادیو یک وسیله شنیداری است و آن روزها خانواده‌ها توجه‌شان معطوف به برنامه‌های ویژه جنگ بود. وقتی برنامه‌ها پخش می‌شد خیلی از خانواده‌ها صدای فرزندان‌شان را می‌شنیدند یا گاهی من برای گزارشی با فرماندهان عملیات‌ها حرف می‌زدم و هفته بعد آن‌ها شهید می‌شدند و صدای‌شان از رادیو پخش می‌شد.

پس خاطرات شیرین و تلخ زیادی از تهیه گزارش در مناطق عملیاتی دارید؟

بله همین‌طور است. نزدیک به ۴ دهه است که من در حرفه گزارشگری و خبری هم در رادیو و هم در تلویزیون فعالیت می‌کنم و خاطرات زیادی دارم.

بهترین خاطره از حرفه‌تان تا به حال کدام است؟

بارها و بارها در جشنواره‌های مختلف اول شدم. یکی از خاطراتم این

است که روزی برای تهیه گزارش به محله‌ای رفتم و از دختر ۱۲ ساله‌ای که وضعیت مالی نامناسبی داشتند و در حلیی آباد زندگی می‌کردند گزارش تهیه کردم و با پخش آن گزارش زندگی‌شان خوب شد و من به آقای عسکراولادی، رئیس وقت کمیته امداد گفتم چشنی تحت عنوان جشن نیکوکاری در رادیو راه بیندازیم که طراحش در رادیو، من بودم و جرقه ذهنی‌ما بود که این کار عاطفی راه افتاد. یک بار باید می‌رفتم راه شب را اجرا کنم دیدم کامیونی خانمی را زیر گرفت و فرار کرد؛ من هر چقدر دویدم به کامیون برسم و شماره‌اش را بردارم نشد. آن موقع نزد فرمانده رفتم و طرح پلاک بزرگ پشت کامیون‌ها را پیشنهاد دادم یا بیمارستان‌ها بیماران تصادفی را نمی‌پذیرفتند و من گزارشی تهیه کردم که مسئولان رده بالای کشور همچون رئیس‌جمهور دستور دادند هر فردی تصادف می‌کند بلافاصله در بیمارستان‌ها بستری شود.

به دوران کودکی‌تان سفر کنیم زمانی که خیلی کوچک بودید. آیا آن مقطع کتبچاو بودید که با میکروفون از مردم مصاحبه‌بگیرید؟

این گونه نبود اما پدرم رادیویی به خانه آورده بود که روکش قرمز داشت و خودش کرم رنگ بود و از خودم می‌رسیدم چطور آن همه آدم در این رادیو جا می‌شوند! من از کودکی دو شغل را خیلی دوست داشتم؛ یکی خوانندگی و دیگری کار در رادیو. مردم می‌گویند صدای خاصی دارم و خدا را شکر این حرفه را در پیش گرفته‌ام.

اشاره به صدای خوب برای یک گزارشگر کردید؛ آیا گزارشگر باید مطالعه جامعی هم داشته باشد؟

صدای خوب باید صدای فاخری باشد یعنی وقتی شنونده رادیو را باز می‌کند باید یک صدای جذاب بشنود. گزارشگر باید اطلاعاتی به اندازه اقیانوس و به عمق یک وجب باشد و از هر چیزی اطلاعاتی داشته باشد. معتقدم یک گزارشگر ابتدا باید صدای خوبی داشته باشد و جملات را به خوبی ادا کند و شنونده از شنیدن صدایش لذت ببرد.

با این توضیحات خودتان چقدر اطلاعات‌تان را به روز می‌کنید؟

معمولاً مطالعه من در اجتماع است. می‌روم و در جامعه می‌بینم، در جمع قرار می‌گیرم و با مردم صحبت می‌کنم و لذت می‌برم. تجربه کسب می‌کنم و کارم را انجام می‌دهم.

تا به حال تپق زده‌اید؟

اگر آدم حرفه‌ای باشید می‌دانید که چه سوالاتی را مطرح کنید. من بعد از سال‌ها کار دیگر تپق نمی‌زنم. خیلی حواسم جمع است.

راز موفقیت‌تان در این حرفه چیست؟

خیلی از جوانان در کلاس‌های مختلف شرکت و هزینه‌های هنگفتی پرداخت می‌کنند اما نتیجه نمی‌گیرند.

معتقدم باید پیش کارداران بروند و آموزش ببینند.

بزرگ‌ترین آرزوهای‌تان در این حرفه چیست؟

سلامتی و این که قدر پیش کسوتان رسانه را بدانند.

ایستگاه خوشمزه

مدیریت: محراب نیرو ربابی

| | | | |
|------------------|-------|------------|-------|
| کشک بادمجان | ۸/۰۰۰ | نیمرو | ۵/۰۰۰ |
| میرزا قاسمی | ۸/۰۰۰ | عدسی | ۵/۰۰۰ |
| سویسی تخم مرغ | ۷/۰۰۰ | لوبیا | ۵/۰۰۰ |
| آش رشته | ۶/۰۰۰ | فرنی | ۵/۰۰۰ |
| املت | ۶/۰۰۰ | کره و عدس | ۵/۰۰۰ |
| فرنی با قطیر | ۶/۰۰۰ | خامه و عدس | ۵/۰۰۰ |
| نان، پنیر و سبزی | ۶/۰۰۰ | قهوه | ۴/۰۰۰ |

افرادی که این پیج را فالو کنند وارد قرعه کشی (صبحانه دو نفره) رایگان می‌شوند.

@sobhfood **@istgahekhoshmazeh**

بجنورد/ کمربندی مدرس / چهارراه دانش آموز/ روبروی اتوگالری رضا / ایستگاه خوشمزه

تلفن سفارشات: ۰۹۱۱ ۷۲۷ ۲۱۴۱

۰۹۳۵ ۲۵۴ ۲۱۴۱

ارتباط با مدیریت: ۰۹۱۵ ۵۸۹ ۳۱۳۶

مدیریت: محراب نیرو ربابی

آکواجوی

محصول کانادا

آکواجوی یعنی لذت آب گوارا

LILIUM

LOTUS

LEGEND

محصولات آکواجوی اصل را فقط از فروشندگان مجاز شرکت هیراب‌سان تهیه فرمایید.

***** هشدار *****

با توجه به سوء استفاده برخی افراد از نام و برند آکواجوی خواهشمند است، جهت دریافت لیست نمایندگان مجاز در استان خراسان شمالی، با دفتر سرپرستی استان تماس حاصل فرمائید.

شرکت هیراب‌سان هیچ مسئولیتی در قبال فروشندگان غیرمجاز و اجناس تقلبی ندارد.

تلفن: ۳۲۲ ۶۲ ۶۶۲

۰۹۱۵ ۱۸۴ ۰۴۵۹

وقار موسوی

۳۲۲ ۶۳ ۶۶۳